

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتابی توسط: لاله هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۸ اگست ۲۰۱۱

تضاد های اساسی جامعه

تضاد های اساسی جامعه عبارت اند از تضاد های موجود میان نیرو های مؤلده و مناسبات تولیدی، میان زیر بنای اقتصادی و روبنا. نیرو های مؤلده انقلابی ترین و فعال ترین عامل در تولید بوده و اغلب در حال دگرگونی و تکامل اند. وقتی که نیرو های مؤلده به درجه معینی از تکامل خود می رسند، روابط کهن تولیدی دیگر با آن ها متناسب نبوده و به صورت عامل باز دارنده و سد کننده رشد و تکامل آن ها در می آید.

نیرو های مؤلده جدید برای رشد و تکامل خود ضرورتاً دگرگونی روابط تولیدی کهن و جایگزینی زیر بنای قدیمی اقتصادی را که از مجموعه روابط تولیدی قدیمی تشکیل می شود با روابط تولیدی و زیر بنای اقتصادی نوین می طلبند. این رو بنای قدیمی با زیر بنای اقتصادی متناسب بوده و اگر بر جای خود باقی بماند رشد و تکامل زیر بنای جدید را سد می نماید. مارکس می گوید: "در مرحله معینی از تکامل خود، نیرو های مؤلده مادی جامعه با روابط تولیدی موجود، یا با بیان حقوقی آن ها، با روابط مالکیت که تا این زمان در بطن روابط تولیدی موجود عمل می کردند، در تضاد قرار می گیرد. این روابط تولیدی که تاکنون شکلی از تکامل نیرو های مؤلده بودند، به صورت مانعی بر سر راه این تکامل در می آیند. از این پس، عصر انقلابات اجتماعی آغاز می شود. تغییر در زیر بنای اقتصادی با سرعتی کم و بیش هر رو بنای عظیمی را واژگون می کند."^۱

حرکت متضاد نیرو های مؤلده و مناسبات تولیدی، زیربنای اقتصادی و روبنا، یک روند بی انتهاست و دقیقاً به علت تاثیر همین حرکت متضاد است که تاریخ بشریت دگرگونی پیاپی نظام های اجتماعی را به خود دیده و تکامل و ترقی جامعه بشری امکان پذیر گشته است.

تضاد های اساسی جامعه در جوامع طبقاتی به صورت تضاد های طبقاتی و مبارزه حاد طبقاتی ظاهر می شوند، زیرا طبقاتی که نماینده نیرو های مؤلده پیشرفته هستند، باید روابط تولیدی کهن و زیر بنای اقتصادی کهن را نابود

^۱ - کارل مارکس: "پیشگفتار بر "نقد اقتصاد سیاسی"

سازند، در حالیکه طبقات ارتجاعی از روابط تولیدی کهن، زیر بنای اقتصادی کهن و روبنای منحنی و فاسد موجود برای ممانعت از این دگرگونی استفاده می کنند. به همین دلیل است، طبقاتی که نماینده نیرو های مؤلده پیشرو هستند باید سلطه طبقات ارتجاعی را از طریق انجام انقلاب اجتماعی واژگون و روابط تولیدی و روبنای قدیمی جامعه را نابود سازند تا بتوانند روابط تولیدی و روبنای نوینی را که با تکامل نیرو های مؤلده متناسب باشد به جای آن ها مستقر نمایند. فقط از این طریق است که راه یک تکامل عظیم نیرو های مؤلده باز می شود.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم